فصلنامهٔ مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم، شماره هجدهم، بهار۱۳۹۳ (صص۴۸-۲۹)

بررسی پیوستگی نگاره‌های درخت با باورهای اساطیری و مذهبی هند

دکتر زهرا حسین آبادی

چکیده

نگاره‌ی درخت، از کهن‌ترین نگاره‌های رایج در هنر هند است که پیوستگی قابل ملاحظه‌ای با باورهای مذهبی و اسطوره‌ای رایج در این سرزمین دارد. کهن‌ترین تجلیات درخت در فرهنگ و هنر هندی بیش‌تر در قالب سه شکل: درخت کیهانی (واژگون)، درخت زندگی و درخت بودهی (درخت تنویر بودا) دیده می‌شود. این پژوهش با توجه به مساله ارتباط قابل ملاحظه‌ی باورهای مذهبی رایج در هند با نگاره‌ی درخت و بنا به اهمیت آن در نگارگری و هنر بودایی، مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش که مبتنی بر شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی است، موضوع درخت مقدس در سه مبحث: ۱- ارزش و قداست درخت در هند. ۲- انواع درختان مقدس در این سرزمین. ۳- تجلی بودا به شکل درخت در هنر بودایی، مد نظر قرار دارد. نتیجه‌ی این بررسی ضمن آن‌که حاکی از اهمیت و قداست جایگاه درختان مقدس در بین پیروان ادیان گوناگون موجود در هند می باشد، نشان از آن دارد که پیوستگی حضور خدایان و شخصیت‌های اسطوره‌ای با درخت، از عوامل اصلی گسترش نگاره‌های مربوط به درخت در هنر هندو بودایی است.

کلید واژه ها: درخت مقدس، درخت بودا، هنر هند، اسطوره.

مقدمه

درخت‌های مقدس همراه با رمزها، اساطیر و آیین‌های مربوط به آن بخش مهّمی از

استادیار گروه پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان
*Email:Hosseinabadi@arts.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۳

مذهب، تاریخ، باورهای قومی و روایت‌های مردمی رایج در سر تا سر جهان را تشکیل می‌دهند. درخت حیات و جاودانگی (تورات، سفر پیدایش، باب۲: ۱۶و۱۷)، درخت معرفت (بقره:۳۵).(اعراف:۲۲)، درخت مریم (نخل)(مریم:۲۳)، شجر اخضر(یس: ۸۰).(قصص:۳۰)، درخت اهورا مزدا (بندهشن، فصل۲۷:۲۴) و درخت «اَشواتهه» (کیهانی، واژگون) (اوپانیشاد،۱۳۵۶:۲۲۹) و(بهگودگیتا،۱۳۴۶:۲۵۷) نمونه‌هایی از معروف‌ترین درختان مقدس شناخته شده در میان پیروان ادیان گوناگون هستند که برخی از آن‌ها در شمایل‌نگاری و هنر عوام نیز بازتاب بسیار گسترده‌ای یافته‌اند.

نگاره‌ی ظهور خدا در درخت، یکی از گسترده‌ترین نگاره‌های رایج در زمینه‌ی تقدس درختان است که از مضمون‌های بسیار متداول در هنر تجسمی شرق باستان به شمار رفته و نمونه‌هایی از آن را می‌توان در سراسر بین النهرین، مصر و هند باستان یافت. (الیاده،۱۳۸۵: ۲۶۹) در «موهنجو دارو»(Mohenjo Daro)، قدیمی‌ترین تمدن هند که مربوط به هزاره سوم ق.م است، ظهور خداوند در درخت انجیر هندی مصور گردیده است. نشانه‌های ظهور خداوند در گیاهان که در متون ودایی نیز قابل مشاهده است، نشان از وجود باورهای گسترده‌ای در مورد تقدس درختان در میان هندیان باستان دارد. این سنت‌ها که پس از ظهور آیین بودا، همچنان کارکردهای کهن خود را در جامه‌ای همگون با گذشته حفظ نموده‌اند، به صورت مجموعه‌ای از نمادها در آیین بودا به حیات خود ادامه داده و بر تمثال‌های نمادین بوداشاکیامونی نقش بستند، مفاهیم نمادین واسطوره‌ای این روایت ازاصلی‌ترین مضمون‌های رایج در نگارگری بودایی است که در آن درختان و تخت‌های خالی را به جای پیکره‌های بودا تصویر می‌کردند. (فیشر،۱۳۸۳:۲۰)

هدف از انجام این پژوهش معرفی باورهای مربوط به درخت در میان هندیان و جایگاه آن در مذهب و هنر بودایی هند است. مهم‌ترین سؤالاتی که در این زمینه مطرح گردید، بدین قرار است:

- درخت در تمدن هند و آیین بودا چه جایگاهی دارد؟
- تجسم‌های درخت در اساطیر و هنر هندی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

در بررسی به عمل آمده، پژوهشی مشابه در این زمینه مشاهده نشد و مشخص گردید که در اکثر تحقیق‌های صورت گرفته در مورد درخت بودا یا تجلّی درخت در هنر هند، بیش‌تر به باورهای مذهبی رایج در این زمینه پرداخته شده و موضوع پیوستگی درخت با هنر این سرزمین و آیین بودا به طور خاص مورد پژوهش قرار نگرفته است. به عنوان مثال میرچا الیاده در کتاب «رساله در تاریخ ادیان»، باورها، آیین‌ها و مناسک مربوط به درخت را شرح داده و سپس مناسبات سرّی میان درختان و نوع بشر در تمدن‌های مختلف را مورد مطالعه قرار داده است اما تجلی درخت در هنر بودایی هند، به طور خاص در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است. (الیاده:۱۳۸۵) راجر کوک در کتاب «درخت زندگی»، به شرح مفاهیمی مانند: «درخت خیال»، «درخت مرکز» «درخت باروری»، «درخت عروج» و نظایر آن پرداخته و تجلی این مفاهیم را در تمدن‌های مختلف مورد توجه قرار داده است. (کوک: ۱۳۸۷) ژان شوالیه و آلن گربران در کتاب «فرهنگ نمادها» معانی نمادین درخت در تمدن‌های مختلف را شرح داده‌اند. (شوالیه و گربران،۱۳۸۲) بخشی از کتاب «هند در یک نگاه» نوشته جلالی نایینی نیز به اهمیت نباتات و گل‌ها در زندگی مردم هند اختصاص دارد اما موضوع درخت در هنر هند و پیوستگی آن با شخص بودا مورد بررسی قرار نگرفته است. (جلالی نایینی،۱۳۷۵) داریوش شایگان در کتاب «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند»، به شرح معانی نمادین درخت «آشواتا» پرداخته است و پیوستگی آن را با باورهای مذهبی اقوام هندو مورد توجه قرار داده اما فقط به اشاراتی مختصر در مورد وصول بودا به مرتبه‌ی روشنیدگی در زیر درخت بودا اکتفا نموده است. (شایگان، ۱۳۸۶) بخشی از کتاب «اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان» نیز به موضوع تقدس نباتات در میان مردم هند اختصاص یافته و نویسندگان به معرفی تعدادی از درختان مقدس و از آن جمله درخت «آسواتها پیپال» پرداخته‌اند اما موضوع پیوستگی باورهای رایج در میان هندوان با نگاره‌های درخت به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵) کوماراسوامی در کتاب «مقدمه‌ای بر هنر هند»، نمادهای رایج در هنر بودایی را برشمرده و فقط به اشاراتی گذرا در مورد جلوه‌های مختلف حضور بودا در هنرهند، اکتفا نموده است.

(کوماراسوامی،۱۳۸۶)با توجه به این‌که در بررسی‌های انجام شده، بیش‌تربه مراسم وآیین‌های مرتبط با درخت پرداخته شده و انگاره‌های درخت در هنر هند و مخصوصاً هنر بودایی، به صورت تحقیقی مجزا و مستقل مورد توجّه قرار نگرفته است، در این پژوهش سعی گردیده تا به بررسی اهمیت درختان در میان هندیان پرداخته شده و نمونه‌هایی از شمایل‌نگاری هندی و بودایی با موضوع درخت که نشان از بیان نمادین باورهای مذهبی مردم هند دارد، مورد بررسی قرار گیرد.

۱) ارزش و قداست درخت در هند

همبستگی میان عناصر طبیعی و مخصوصاً نباتات و گیاهان با انسان سبب شده تا مردم بسیاری از نقاط جهان از جمله هندوستان، برای برخی از گیاهان و درختان قداست ویژه‌ای قایل شوند. عقاید اساطیری ودایی مبتنی بر این نکته است که همه ی پدیده‌های طبیعت، جاندار و الهی بوده و به همین دلیل می‌تواند، هدف ستایش و نیایش مردمان باشد. (بهار،۱۳۷۵: ۱۳۸)اعتقاد به این امر که ارزش‌های دینی موجود در طبیعت تجلی بخشی از جنبه‌های گوناگون امر قدسی است، باعث تأمل انسان در این پدیده‌ها شده و از این رو آسمان، زمین، کوه‌ها، رودها، گیاهان و درختان همچون خدایان پرستش می‌شدند. باور به جان داشتن این پدیده‌های طبیعی در دره‌ی سند، از آن روی که گویا جایگاه ارواح نیک یا بد هستند، به صورت پرستش «ناگه‌ها» (Naga) (موجوداتی از خانواده‌ی مارها که چهره‌های انسانی و دم‌های بلند دارند) و «یکشه‌ها» (Yaksha) (ایزدان جنگل و ارواح مذکر خاک) در میان هندوان ظهور نمود به طوری که نمونه‌های باقی‌مانده از تمدن موهنجو دارو سرشار از این آثار جالب جان‌گرایی (انیمیستی) است. (همان: ۱۲۵)

این موضوع نه تنها در آثار باستانی کشف شده از این تمدن بروز یافته، بلکه در متون کهن مذهبی باقی مانده از این دوران نیز به روشنی و صراحت بیان شده است و نیایش‌های پرشوری که از شیوا وگیاه سوما در ریگ‌ودا صورت گرفته (ریگ‌ودا، ماندالای نهم) تنها نشان دهنده‌ی بخش کوچکی از این باورهاست. اعتقاد به وجود پیوستگی میان بشر و

پدیده‌های طبیعی، مخصوصاً نباتات، باعث گسترش آیین‌های خاصی در این خصوص شده که در ادامه به بخشی‌از آن پرداخته می‌شود:

۱-۱) باورها و آیین‌های مربوط به درخت

باورهای جان‌گرایی (انیمیستی) که حضور ارواح طبیعت را به عنوان بخشی انکار ناپذیر از اعتقادات مذهبی هندوان مطرح ساخت، نه تنها در دوران ودایی حائز اهمیت بود، بلکه پس از آن نیز در مناسک و آیین‌های مختلف، نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا کرد. به طوری‌که حتی امروزه نیز هنگامی که می‌خواهند از درختی برای ساختن تندیس خدایی، چوب ببُرند، در ابتدا ضرورت دارد که افرادی از هرچهار کاست (طبقه) هندو در شب، آن درخت را مورد پرستش قرار داده و با این دعا آن را نیایش کنند«ای درخت ما می‌خواهیم که از چوب، تندیس فلان خدای را بسازیم به تو احترام می‌گذاریم عبادت ما را که مطابق احکام مذهبی انجام می‌گیرد بپذیر موجوداتی که اینجا زندگی می‌کنند، باید پیشکش‌های ما را بپذیرند و برای اسکان مکان دیگری را انتخاب نمایند و ما را ببخشند. سلام بر همه‌ی آنان» (جلالی نائینی،۱۳۷۵: ۵۱۵) به این ترتیب اعتقاد به اینکه خدایان و ارواح نیک، در درختان مسکن دارند نه تنها موجب ابراز نگرانی برای آن‌ها می‌شد، بلکه در زندگی روزمره-ی مردم هند نیز بسیار تأثیر گزار بود. گسترش مراسم وصلت عرفانی میان درختان و افراد بشر که در بین اقوام دراویدی رواج دارد، بخشی از این اعتقادات بوده و نامزد یک گوآلای هندو قبل از ازدواج با همسرش باید با یک درخت انبه عروسی کند. (شوالیه،۱۳۸۲: ۱۹۶)

رسم زناشویی درختان که نزد بعضی گروه‌های کولیان نیز به چشم می‌خورد (الیاده،۱۳۸۵: ۲۹۲) شاید نشأت گرفته از باورهایی پیرامون پیوستگی درخت با مفاهیمی همچون، ولادت، رشد، بالندگی و تکامل پیوسته ی خانواده، جامعه، قوم و ملت (دوبوکور،۱۳۷۳: ۲۵) باشد. از همین رو در بسیاری از نقاط هند، زناشویی درختان وقتی صورت می‌گیرد که زنان چند سال پس از ازدواجشان هنوز صاحب فرزندی نشده‌اند. برای رفع این مشکل زن و شوهر در روز و ساعت سعدی، کنار تالابی رفته و هر کدامشان درختی می‌کارند، زن انجیر بن معابد و شوهر درخت انبه (الیاده،۱۳۸۵: ۲۹۳). این موضوع

که حکایت از وجود مناسباتی سرّی میان درختان و نوع بشر دارد، قطعی‌ترین بیان خود را در عقایدی مانند گیاه تباری یا نسب بردن به نوعی گیاه و نبات پیدا می‌کند که نیای اساطیری قبیله تلقی می‌شود. بنا بر افسانه‌های هندی همسر شاه ساگارا (Sagara) کدویی زایید که از آن شصت هزار پسر بیرون آمدند. در میان بعضی از اقوام بومی هند نیز این باور وجود دارد که نیای اساطیری آن‌ها نوعی گیاه بوده است. (الیاده، ۲۸۷:۱۳۸۵) سیری اجمالی در عقاید مردم هند نشان از وجود رابطه‌ای نمادین میان انسان، حیات نباتی و مخصوصاً تقدس درختان دارد.

۲) انواع درختان مقدس در هند

درخت یکی از نگاره‌های رایج در هنر هند است که در نقش‌پردازی آن، جنبه‌های اساطیری، دینی و تزیینی به شدت مشاهده می‌شود. علی‌رغم وجود انواع متنوعی از درختان مقدس در هند، تجلیات مذهبی و اسطوره‌ای برخی از درختان، در باورهای مذهبی مردم این سرزمین بازتاب گسترده‌تری یافته‌اند که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر برشمرد:

۱- درخت کیهانی یا درخت واژگون

۲- درخت زندگی

۳- درخت بودهی (درخت تنویر بودا)

با توجه به گستردگی و اهمیت مباحث مربوط به هر کدام از جنبه‌های اسطوره‌ای درخت در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۱) درخت کیهانی یا درخت واژگون

درخت کیهانی یکی از مهم‌ترین مفاهیم نمادین مربوط به درخت در فرهنگ‌های مختلف سراسر جهان است که به عنوان نماد ارتباط میان آسمان، جهان فرودین و جهان زیرین شناخته شده و در مفاهیم اساطیری مردم سومر نقش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند. (گریمال،۱۷:۱۳۷۶)این درخت که به شکل‌های مختلف درادیان کهن از جمله؛ دین یهود و آیین هندویی تجلی یافته، درخت شکوهمندی است که جنبه‌های اساطیری آن بر جنبه‌های واقعی، فزونی داشته و از این رو تعیین دقیق نوع این درخت و نشان دادن مصداق عینی آن

در طبیعت امری غیر ممکن است. (بصیری،۱۳۸۴:۳۶) با این حال برخی از پژوهشگران با مطالعه‌ی متون هندی و درخت‌های مقدس موجود در سرزمین هند آن را با درخت مقدس انجیر یا بانیان مرتبط دانسته‌اند (کوک،۱۳۸۷:۴۰) و (شوالیه،۱۳۸۲: ۱۹۲) ویژگی خاص انجیر بن هندی، داشتن ریشه‌های دراز است که همچون مقرنس‌های غار از شاخه‌هایش آویزان شده و به زمین می‌رسند. در هم آمیختگی شاخ و برگ‌های انجیر بن هندی با ریشه‌های این درخت سبب می‌شود، ریشه‌های ستون مانند و شاخه‌ها به یکدیگر، مشتبه - شوند. ظاهر این درخت که تصویری از «درخت واژگون» را به ذهن متبادر می‌کند، مبین این اعتقاد است که زندگانی از آسمان آمده، در زمین رخنه می‌کند و بدان تقدس می‌بخشد. این تصویر در هنر، فلسفه و شعر یافت می‌شود. (دوبوکور، ۱۳۷۳ :۱۶)

مهم‌ترین تجلیات درخت در فرهنگ هند نیز مربوط به درخت واژگونی است که از آن با عنوان درخت کیهانی یاد شده است. در بهگودگیتا وصف این درخت تحت عنوان درخت آفرینش ذکر شده و اهمیت آن در آیین هندو بقدری زیاد است که هر کس این درخت را بشناسد به فرداها عالم شده و هر کس از آن بگذرد به کمال مطلوب دست می‌یابد. درخت کیهانی در این متن نمایشگر عالم و مبین موقعیت بشر در جهان است. (زمردی،۱۳۸۱: ۲۰۳) در اوپانیشادها، این بینش با دقت و صراحت بیان شده است: «عالم درختی است که بیخ آن بالا است و شاخ‌های آن رو به پایین است و نام این درخت «اَشواتهه» است (یعنی درختی که فناپذیر نیست و تا قیامت می‌ماند و برگ‌های آن همیشه در حرکت است– پس این عالم هم بر یک‌قرار نیست و متغیر است) و این درخت عالم در این نزدیکی پیدا نشده است، دیرینه است، بیخ درخت بر هم است و پاک است و آن را بی‌زوال می‌گویند و همه‌ی عالم متعلق به اوست. هیچ‌کس از او نمی‌تواند گذشت.» (اوپانیشاد،۱۳۵۶: ۲۲۹)

اهمیت درخت کیهانی (واژگون) علاوه بر اوپانیشادها، در بهگودگیتا نیز مورد تأکید قرار گرفته و گیتا برای نشان دادن رابطه‌ی آفریده و آفریننده به تمثیل درخت واژگون متوسل شده است: «درباره‌ی درخت اشواتای ابدی سخن می‌گویند درختی که ریشه‌های آن در بالا و شاخه‌های آن در پایین است. و وداها برگ‌های آن هستند. شاخه‌های آن به سوی بالا و پایین سر بر می‌آورند و سه جوهر تصاعدی، نزولی و انبساطی آن را می‌پرورانند،

مدرکات حواس، شکوفه‌های آن درختند و در جهت پایین یعنی در دنیای آدمیان این درخت ریشه دوانیده و به اعمال آدمیان گره خورده و پیوسته است.» (شایگان،۱۳۶۸: ۳۲۸) «کسی صورت آغاز و انجام گسترش این درخت را نمی‌یابد، بایستی با تبر نیرومند بی‌علاقگی این درخت «آشواتا» را که ریشه‌ی محکم دارد قطع کرد، سپس آن مقامی را جستجو کرد که چون انسان بدان نایل آید، دوباره (به این جهان هستی) بر نمی‌گردد.» (بهگودگیتا، شرح مکالمه پانزدهم، ۲۵۷:۱۳۴۶)

یکی از خصوصیات درخت آشواتا در گیتا داشتن ریشه‌هایی دو گانه است. از یک سو ریشه‌ی آن در دل آسمان بی‌کران فرو می‌رود که همان عالم غیب و برهمن است و از سوی دیگر همان ریشه در دنیای آدمیان گسترش یافته و به اعمال آن‌ها متصل شده است. برخی از مفسران ودایی در تفسیر این بند می‌گویند: چون برهمن به علت نیروی ناپیدای خود یعنی «مایا» (Maya) به غایت لطیف بوده، ابدی و یزرگ است، آن را «بالا» می‌گویند و ریشه‌ی درخت می‌دانند. عقل و انیت شاخه‌های آن درختند که به سوی پایین سر بر می‌آورند و چون شاخه‌های آن فانی هستند، مفسران این درخت را درخت «سامسارا»، نیز می‌نامند. (شایگان،۱۳۸۶:۳۲۹)

در این‌جا اَش وتهه نماد جلوه‌ی کائنات از مبدأ واحد و متعالی یا برهمن است. در میتریه اوپانیشاد ضمن اشاره به سه ساقه‌ی اصلی درخت کیهان آمده است که برهمن سه‌گانه ریشه‌ای رو به بالا دارد. این سه ساقه معرف تثلیث هندو است یعنی سه خدای کائنات که همانا برهمن یا خدای آفریننده، ویشنو یا خدای نگهدارنده و شیوا یا خدای نابودگر هستند. از این سه ساقه شاخه‌های بیش‌تری بیرون آمده و هر یک همراه با همتای زنانه‌ی خود به گونه‌ای فعال در جسم‌های مختلف در چرخه‌ی زمان و تاریخ شرکت می‌جویند. از طریق همین درخت واژگون علم ماوراء الطبیعه‌ی هندی به شیوه‌ای ظریف، چند خدایی هندوها را با یکتاپرستی آشتی می‌دهد. زیرا همه‌ی این خدایان و خدای بانوان به راستی شاخ و برگ‌های پرشمار یک ریشه‌ی پنهان هستند. (کوک،۱۳۸۷: ۴۰)

۲-۲) درخت زندگی

تصویر ۱- نقش درخت انجیر با جانوران خیالی، موهنجو دارو، هزارهٔ ۳ ق.م، مأخذ:
(www. Pakistanartreview.net.)

اعتقاد به اینکه در بعضی درختان و گیاهانی که برای بشر سودمند است روحی وجود دارد، به پیش از تاریخ باز می‌گردد. تصویر درختی که در دو سوی آن یک جفت جانور نیمه خدا یا نقش انسان باشد در هنر بین النهرین در حدود سده‌ی هجدهم ظاهر شد. (هال،۱۳۸۳: ۲۹۰) درخت زندگی که با این شمایل جایگاه خاصی را در هنر بین النهرین اشغال کرد، ترکیبی از رستنی‌های گوناگون بود که به علت طول عمر، زیبایی و یا سودمندی‌شان مقدس شمرده می‌شدند از قبیل: درخت سدر که چوبی گرانبها دارد، درخت نخل که خرما می‌دهد، درخت تاک بن با خوشه‌های انگور و درخت انار، رمز باروری که میوه‌اش آبستن صدها دانه است. (دوبوکور،۱۳۷۳: ۱۳) برخی از پژوهشگران برآنند که انگاره‌ی این درخت با تصاویر انسانی از بین‌النهرین به خاور دور رسیده و ضمن راه تغییراتی پیدا کرد. تصویر درختی که در دو سوی آن جانورانی قرار داشتند، شاخص‌ترین نمونه‌ی هنری درخت مقدس بود که به همین ترتیب به طرف شرق و به سوی ایران رفته و از آن‌جا به هندوستان انتقال یافت (هال،۱۳۸۳: ۲۹۱) بر روی مهرهای کشف شده از منطقه‌ی موهنجو دارو و هاراپا (هزاره‌ی سوم ق.م) نقش درخت انجیر معابد با جانوران خیالی شاخ‌دار که از دو سو، سر خود را به بدنه‌ی درخت چسبانده‌اند به دست آمده است. این نقوش با طرح‌های درخت زندگی و گیل گمش یافت شده در تمدن کهن ایران و بین النهرین مشابهت بسیاری دارد. (کوماراسوامی،۱۳۸۲: ۱۸)(تصویر ۱) در این

تمدن (موهنجو دارو)، جایگاه مقدس حصاری بود که دور درختی کشیده بودند. این موضوع بعدها به آیین بودا وارد شد. به طوری که در روزگاری که بودا به موعظه و تعلیم می‌پرداخت، چنین امکنه‌ی مقدسی درهمه جای هند وجود داشت. (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۶۳)

اهمیت و قداست درخت بودهی که بعدها در آیین بودایی جای خاصی را اشغال کرد، بخشی از میراث فکری دوران ودایی بود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۳) درخت بودهی (درخت تنویر بودا)

هنر بودایی نخستین و آثار بودایی متأخرتر در سانچی (Sanchi) و بهارهوت (Bharhut) شواهدی از تأثیر کیش جان‌گرایی (انیمیستی) بر هنر بودایی دارد. داستان «ناگامو کالیندا» (Naga Muchalinda)، شاه ماری که با حفاظت از بودا در مقابل گزند باران و طوفان، نقش مهمی در رسیدن وی به مرحله‌ی اشراق ایفا نمود، از غلبه‌ی آیین بودایی بر سنن پیش از خود حکایت دارد.(کوماراسوامی،۱۳۹۰: ۱۱۷)

بنا بر روایات، شامگاه که بودا به سوی درخت بودی (Bodhi= روشن‌شدگی) به راه افتاد، پشت به درخت بودی و رو به شرق در ده کمال (Dasa Pāramiyo) به دیانه پرداخت.

تصویر ۲- درخت بودهی، استوپای سانچی . مأخذ: (www. Fliker.com.).

وی در نخستین پاس شب به دانش وجودهای پیشین، در پاس میانی شب به بینش آسمانی و در آخرین پاس شب به دانش زنجیر علّی دست یافته و سپس به مقام همه آگاهی (Sabbannuta – Nānam)، رسید. (پاشایی،۱۳۸۶: ۱۳۲) وقتی بودا شاکیامونی از تختش زیر درخت «بودی» پس از تأملی دراز مدت که وی را از اسارت زندگانی و مرگ رهانید،

برخاست لوتوس‌های شگرف زیر پاهایش شکفتند. (بوکهارت،۱۳۸۱:۱۶۶) بنا بر روایات، این درخت، همان انجیر هندی (Ficus Religiosa یا Pipal) بود که چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، بسیاری از مفسران آن را با درخت کیهانی (درخت واژگون) برابر دانسته‌اند. یکی از گیراترین تصاویر درخت در هنر بودایی، تجسم این صحنه است که اغلب اوقات برای نشان دادن حضور واقعی بودا در هنر بودایی کهن، پیش از آن‌که به صورت انسانی نشان داده شود (سانچی، اوایل سده‌ی اول ق.م) به کار می‌رفت. (هال،۱۳۸۳: ۲۸۵) (تصویر۲)

درخت انجیر، فیکوس رلیگیوسا (Ficus Religiosa) یا درخت تنویر بودا، که به این ترتیب با زندگی بودا شاکیامونی پیوند یافت، نه تنها مورد احترام بوداییان قرار گرفت، بلکه پیش از آن، در دوره‌ی ودایی مورد احترام هندوان قرار داشته و آن‌ها برای این درخت اهمیت خاصی قایل بودند. بنا بر روایات درخت انجیر در تمدن دره‌ی سند به مادر الهه‌ای مربوط بوده و نام آن در ریگ‌ودا آمده است. همچنین در بعضی از افسانه‌ها این درخت را نماینده‌ی ویشنو نیز دانسته‌اند. (جلالی نائینی،۱۳۷۵: ۵۱۵)

پیوستگی درخت انجیر با حضور خدایان، در سرنوشت کریشنا، ایزد عشق و خوشبختی، نیز دیده می‌شود. کریشنا از جمله‌ی خدایانی است که برای ریاضت، درخت انجیر هندی را بر می‌گزید. (ایونس،۱۳۸۱: ۱۲۳) تصویر کریشنای خفته بر روی برگ انجیر که درباره‌ی ویرانی جهان در پایان کالپا یا عصر کیهانی می‌اندیشد، از مضامین متداول در هنر هندجنوبی است. (هال،۱۳۸۳: ۲۷۷) گفته می‌شود که علاوه برخدایان، نیکان و روح‌های زاهد نیز روی شاخه‌های پیپال قرار دارند. همچنین در مورد خواص سحرآمیز درخت بودهی گفته‌اند که، انسانی پرمغز و با هوش به تنهایی می‌تواند با نشستن زیر درخت آسواتها پیپال در خلسه رو رود. چرا که این درخت با صدای برگ‌های مخروطی تابانش، جریان انرژی نیرومندی ایجاد می‌کند که از طریق آن‌ها الهام و شهود پدید می‌آید.(دادور، ۲۰۱:۱۳۸۵)

علاوه بر درختان اساطیری فوق، درختان دیگری نیز هستند که به علت دارا بودن ویژگی‌هایی خاص، مورد توجه مردم هند بوده و به همین دلیل مقدس شمرده می‌شوندکه در ادامه به معرفی تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲- ۴) سایر درختان مقدس در هند

چنانکه چیش‌تر نیز گفته شد، هندوها برای بسیاری از درختان ارزش و قداست قایل بوده، آن‌ها را مورد ستایش قرار می‌دهند. از جمله‌ی معروف‌ترین این درختان می‌توان به درخت گولار(Goolar)، ویلوا(Vilva)، صندل (Sandal)، درخت انبه و درخت اقاقیا اشاره کرد.(دادور،۱۳۸۵: ۲۰۰) درختان بانیان (Banyan)، آلما(Almga)، تمالا(Temala)، ویلوا (Vilva) و درخت کالپا (Kalpa) نیز از سایر درختان مقدس هند هستند که در ادامه به شرح توضیح مختصری در مورد آن‌ها پرداخته می‌شود:

درخت بانیان: نیه گرودهه یا درخت بانیان (Banyan)، درخت انجیری است با برگ-های بیضوی، عادت خاص این درخت، رویش بر روی درختان دیگر است (کوک،۱۳۸۷: ۴۰). به نظر می‌رسد که علاوه بر درخت انجیر پیپال، درخت بانیان نیز در شمایل نگاری-های اولیه، نماد مشخص بودا بوده است. در سراسر آسیای جنوب شرقی، این اعتقاد وجود دارد که فرشتگان و پریان بر روی بانیان سکنی دارند. علاوه بر آن این درخت نماد قدرت و زندگی بوده و در میان سره‌ها، بانیان نماد زاد و ولد و در میان رانگائوها و سدانگ‌ها به عنوان نماد عمر طولانی شناخته می‌شود. این درخت مورد علاقه‌ی بودا نیز بود و او اغلب دوست داشت زیر این درخت بنشیند و به شاگردانش تعلیم بدهد. (شوالیه،۱۳۸۴: ۲۵۸)

این درخت نه تنها در آیین بودا مورد تقدیس و احترام بود، بلکه در افسانه‌های قدیمی هند نیز روایت‌هایی در مورد آن ذکر شده است از جمله آن‌که «ساویتری» (Savitri) ایزد بانوی عهد ودایی، هنگامی‌که «یاما راجا ساتیاوانا» (Yamaraja Satitavana) خدای مرگ، برای گرفتن جان شوهرش آمده بود، زیر درخت بانیان نشست و با خلسه‌ی ماورایی و قدرت «ساتیاوایی» (Satiatava) خود، مرگ را از وی دور کرد. به این سبب زنان هندوی متأهل برای دستیابی به زندگی طولانی و خوش در روز «واتساری» (Vatsari) درخت بانیان را می‌پرستند. (دادور،۱۳۸۵: ۲۰۳)

درخت آلما (Almga): از درختانی بود که به دلیل خاصیت جوان سازی محبوبیت داشت. (دادور،۱۳۸۵:۲۰۴)

درخت تمالا (Temala): این درخت دارای قشر و برگ مشکی بوده و به کریشنا، ایزد عشق، که رنگ چهره و پوستش تیره بوده تعلق دارد. پرستندگان ویشنو نیز این درخت را ستایش می‌کنند. (جلالی نائینی،۵۱۵:۱۳۷۵)

درخت ویلوا (Vilva): پرستش شیوا وخدایان دیگر هندو بدون تقدیم برگ‌های درخت مقدس ویلوا کامل نیست، بریدن شاخه‌های این درخت ممنوع است در جشن دُرگا پوجا (Durga Purja)، الهه دُرگا را روی شاخه‌ی این درخت گذاشته و در حضورش نیایش می‌کنند.(همان: ۵۱۶)

درخت کالپا: درخت کالپا (Kalpa)، درخت پاریجاته (Parijata) یا درخت بهشت ایندرا از درختانی است که بنا بر اعتقاد رایج در میان اقوام هندو، تماشای آن جوانی را باز می‌گرداند و در زمره‌ی درختان بهشتی قرار دارد. بنا بر روایات کریشنا درخت کالپا را که به ایندرانی(Indrani) همسر ایندرا تعلق داشت، جای کنده و با خود به زمین آورد. این موضوع باعث ستیز ایندرا با کریشنا شد که نتیجه‌ی آن به شکست ایندرا انجامید. اما یک سال پس از این ماجرا کریشنا تصمیم گرفت به میل خود درخت کالپا را به باغ ایندرا باز گرداند.(ایونس،۱۳۸۱: ۱۱۸)

تصویر ۳- خدا بانوی ایستاده در میان شاخه‌های درخت مقدس، تمدن موهنجودارو و هاراپا. مأخذ: (wwwharappa.com/indus/34/html)

۳) تجلی بودا به شکل درخت در هنر بودایی

چنان که قبلاً نیز گفته شد، کاوش‌های باستان شناسی حاکی از آن است که در تمدن دره‌ی سند (موهنجو دارو وهاراپا)، همذاتی وهم سرشتی الهه‌ی بزرگ و نباتات از طریق پیوستگی با درخت انجیر هندی(Ficus Religiosa) تصویر شده است. یکی از مشهورترین نمونه‌های به دست آمده از این منطقه، تصویر خدابانوی ایستاده در میان شاخه‌های درخت است.(تصویر۲) درخت انجیر به عنوان نمادی از جهان گیاهی، برداشت ذهنی انسان کشاورز اعصار پیش از تاریخ را از ارتباط میان گیاه و انسان، که صورتی اسطوره‌ای پیدا کرده، مجسم می‌سازد. این تصویر که در طی تاریخ تحول پیدا کرد و به انواع شکل‌های داستانی- اسطوره‌ای بیان شد، از دو جهت حائز اهمیت است:

یکی پیوستگی وجود خدایان با انواع نباتی و دیگری تأکید بر تقدس انجیر هندی، قبل از پیوستگی آن با سرنوشت بودا. ذکر این نکته ضروری است که درخت انجیر در سراسر هندوستان به عنوان درخت شیوا و ویشنو، خدایان کهن هندی، شناخته می‌شود. (شوالیه،۱۳۸۴: ۲۵۹) و پس از گسترش آیین بودایی، شخص بودا نیز در زمره‌ی مظاهر ویشنو قرار گرفت. (شایگان،۱۳۸۶: ۲۷۳) و نایل شدن بودا به مقام معرفت در زیر درخت انجیر، به خودی خود، نوعی پیوند میان آیین بودایی و عناصر کهن برهمنی برقرار کرد.

این شیوه‌ی هنری که نمونه‌ی بسیار شاخصی از هنر برهمنی و انیمستی می‌باشد، وجه غالب هنری در دوران قبل از ظهور آیین بودا است و اساساً با کیش نیایش ارواح طبیعت، ایزد بانوی زمین، ناگاها و یاکشاها که فرمانروایان چهاراقلیم هستند، ارتباط دارد. حضور ارواح طبیعت به عنوان نگهبانان زیارتگاه‌های بودایی، چگونگی گسترش این نگاره‌ها را در هنر بودایی آغازین توجیه می‌کند چراکه، آیین بودا لااقل در آغاز پیدایش خود، به منزله‌ی شاخه‌ای از آیین هندو بوده است.(شایگان، همان:۱۲۷)

از این رو بهترین جلوه‌های شعور معنوی پیروان آیین بودا، صرفاً در آثاری قابل ملاحظه است که در آن‌ها مریدان زانو زده در مقابل درخت بودهی(Bodhi Tree) یا تخت خالی یا کرسی متعلق به بودا که شخص بودا بر آن دیده نمی‌شود، یا چرخ که سمبل تعالیم بودا است تصویر شده‌اند. (کوماراسوامی،۱۳۸۲: ۷۲) (تصاویر ۴و ۵)

تصویر ۴- بودا به مثابه‌ی درخت، نقش برجسته امروتی. مأخذ: (کوماراسوامی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

تصویر ۵- نیایش درخت، به مثابه‌ی نمادی از بودا، سانچی. مأخذ: (کوماراسوامی،۱۳۸۲: ۷۳)

به نظر می‌رسد در این نگاره‌ها، غیبت جسمانی بودا در میان مردم که ترجمانی از مرگ پیشوا و پیوستن وی به نیروانا است، بهترین تجلی خود را در بیانی نمادین از رویدادهای مرتبط با زندگی واقعی او پیدا کرده است. در همین نمادهای درخت بودهی پیوستگی ظرفیت‌های دینی حیات نباتی با آیین بودا و مشخصاً خود بودا با قدرت و وضوح تمام به نمایش در می‌آید.

در تعبیری دیگر از این تصاویر نمادین، شاید بتوان گفت: بودا که در ذهن مریدانش به ایزدی شایسته‌ی پرستش تبدیل شده بود، به جزئی جدایی ناپذیر از هیأت آشنای درخت مقدس بدل شده و به این ترتیب با جاذبه‌ی شگرف آیین برهمنی، پیوند یافت. شاید درخت تنویر بودا نیز موقعیت ممتاز خود را به دلیل این واقعیت به دست آورد، که تجسم صورت نوعی و مثالی عالم نباتی در شخص بودا به عنوان روحی مقدس، یک خدا یا جلوه‌ای از مظاهر ویشنو است.

بر طبق آن چه که در روایت‌های بودایی آمده نه تنها تنویر بودا بلکـه تولـد وی نیـز بـا درخت پیوند دارد. بودا به محض تولد، در زیر درخت مقدس شـاله، بـر مرکـز جهـان قـرار می‌گیرد وی با پا نهادن بر روی گل‌های لوتوس هفت گـام بـزرگ را بـر مـی‌دارد و عـروج دشوار «دوروهنه» (Durohana)را به انجام می‌رساند. این عروج به طور نمادین از میان هفـت سیاره‌ی آسمان و به سوی قله‌ی کیهان صورت می‌پذیرد. چنان‌که در متون بودایی آمده است بودا به اطرافش نگاهی افکنده، می‌گوید: «من بر فراز جهان قرار دارم و این آخرین تولد مـن است. برای من هیچگاه جسم دیگری نخواهد بود.» (کوک،۱۳۸۷: ۸۵)

حادثه تولد بودا در زیر درخت از دیگر نگاره‌هـایی اسـت کـه در هنـر هنـد مـشاهده

تصویر ۶- ملکه مایا زیر درخت شاله، مأخذ: (کوک،۱۳۸۷: ۱۰۱)

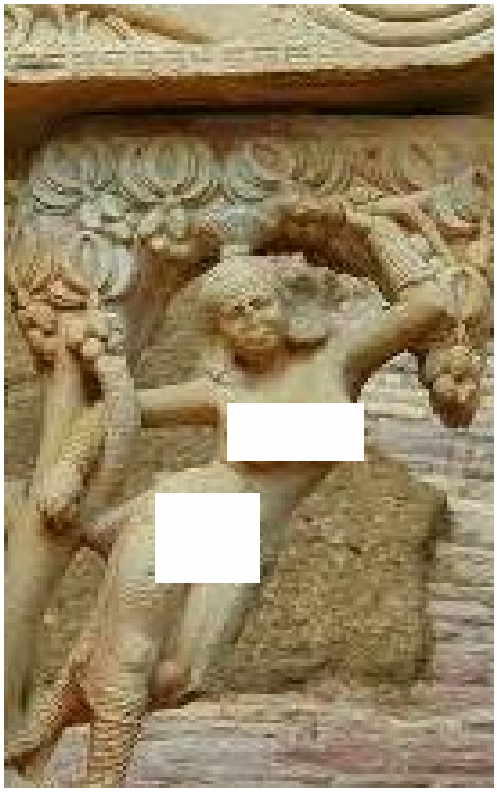

تصویر۷- یاکشی، استوپای سانچی، قرن ۲ ق. م
مأخذ: (www. Fliker.com)

می‌شود. در (تصویر۶) ملکه مایا، مادر بودا به حالت ایزد بانوی باروری بر روی مرکز تجلی الهی یا گل لوتوس باز شده ایستاده است و شاخه‌ای از درخت مقدس شاله که بودا در زیر آن متولد شد را در دست دارد. این تصویر که شباهت بسیار زیادی با تصویر یاکشی، روح مؤنث خاک، در استوپای سانچی دارد، (تصویر۷) از تأکید بر استمرار شیوه‌های هنر کهن هندی خبر می‌دهد. در هر دوی این تصاویر دستان پیکره به شاخ و برگ درختان تکیه داشته و نمونه‌ای از هنر انیمیستی هندویی است که نشان از تداوم باورهای کهن هندوان مبنی بر قداست پدیده‌های طبیعی دارد.

نتیجه

نتیجهٔ این بررسی حاکی از آن است که نگاره‌های رایج درخت در هنر هند، چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، پیوستگی قابل ملاحظه‌ای با باورهای هندوان در خصوص تقدس گیاهان و درختان دارد که در قالب سه شکل: درخت کیهانی (واژگون)، درخت زندگی و درخت بودهی دیده می‌شود. موضوع باور به قداست درختان که به‌طور شاخصی در تصویرگری درختان و پیوستگی آن‌ها با وجود خدایان دیده می‌شود، در هنر هندو بودایی اولیه بروز پیدا کرده و نقش مؤثری در تصویرگری شخصیت مقدس بودا ایفا می‌کند.

به نظر می‌رسد ارتباط اسطوره‌ای درخت انجیر با خدایانی همچون شیوا و ویشنو که برگرفته از باورهای برهمنی است، در هنر بودایی نیز تداوم پیدا کرده و تا آنجا پیش می‌رود که پس از مدتی شخصیت بودا نه تنها به جزئی جدایی ناپذیر از هیأت آشنای درخت مقدس تبدیل می‌شود، بلکه با جاذبه شگرف آیین برهمنی و خدایان این دین نیز پیوند می‌یابد.

سیری در بررسی جایگاه درخت در هنر و فرهنگ هند نشان می‌دهد، نگاره درخت بازتابی از نگرش‌های سنتی مردم هند باستان، مبنی بر تجلی امر قدسی در پدیده‌های طبیعی است.

منابع

۱- قرآن کریم.

۲- الیاده، میرچا، **رساله در تاریخ ادیان**، چ ۳، ترجمه: جلال ستاری، تهران: سروش، ۱۳۸۵ .

۳-ایونس، ورونیکا، **شناخت اساطیر هند**، چ۲، ترجمه: باجلان فرخی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.

۴- بصیری، محمد صادق و صرفی، محمد رضا، **نگاهی به محتوای اسطوره‌ای انگاره‌های درخت در تمدن جیرفت**، **مجله‌ی مطالعات ایرانی** دانشگاه شهید باهنر کرمان ، سال۴، ش ۸، صص ۳۱- ۵۱، ۱۳۸۴.

۵- بوکهارت، تیتوس، **هنر مقدس**، ترجمه: جلال ستاری، تهران: سروش، ۱۳۸۱ .

۶- بهار، مهرداد، **ادیان آسیایی**، تهران: چشمه، ۱۳۷۵.

۷- بی نام،**اوپانیشاد**، ترجمه: محمد دارا شکوه، به سعی و اهتمام تارا چند و سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران: طهوری، ۱۳۵۶ .

۸- ---- ،**بهگودگیتا** ، چ ۲، ترجمه: عباس مهرین، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۶ .

۹- ---- ، **تورات**، ترجمه: ماشاءالله رحمان چور داوود و موسی زرگری، تهران: انجمن فرهنگی اوتصر هتورا، ۱۳۶۴.

۱۰---- ، **ریگ‌ودا**، چ۳، تحقیق و ترجمه: سیدمحمد رضا جلالی نایینی، تهران: نقره، ۱۳۷۲.

۱۱- پاشایی، عسکری، **بودا**، چ ۹، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۶ .

۱۲- جلالی نائینی، سید محمد رضا، **هند در یک نگاه**، تهران: شیرازه، ۱۳۷۵ .

۱۳- دادور، ابوالقاسم، منصوری، الهام، **درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان**، تهران: الزهرا، ۱۳۸۵.

۱۴- دوبوکور، مونیک، **رمزهای زنده‌ی جان**، ترجمه: جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳.

۱۵- زمردی، حمیرا، **تجلیات قدسی درخت**، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار، دوره ۴و۵، صص ۱۹۷- ۲۰۹، ۱۳۸۱.

۱۶- شایگان، داریوش، **ادیان ومکتب‌های فلسفی هند**، ج۱، چ۶، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ .

۱۷- شوالیه، ژان،گربران، آلن، **فرهنگ‌نمادها**،ج۳، ترجمه:سودابه‌فضائلی، تهران:جیحون، ۱۳۸۲ .

۱۸- ---------- ، **فرهنگ نمادها**، ج ۱، ترجمه:سودابه فضائلی، تهران:جیحون،۱۳۸۴ .

۱۹- فَرنبغ دادگی، **بُندَهِش**، گزارنده: مهرداد بهار، تهران: توس. ۱۳۶۹.

۲۰- کوک، راجر، **درخت زندگی**، ترجمه: سوسن سلیم‌زاده و هلینا مریم قائمی، تهران: جیحون. ۱۳۸۷.

۲۱- کوماراسوامی، آنانداً، **مقدمه‌ای بر هنر هند**، ترجمه: امیر حسین ذکرگو، تهران: روزنه،۱۳۸۲.

۲۲- ----------، **مبانی سنتی هنر و زندگی**، تحقیق، ترجمه و شرح: امیر حسین ذکرگو، تهران: فرهنگستان هنر،۱۳۹۰.

۲۳- گریمال، پیر، **اسطوره‌های خاور میانه**، ترجمه: مجتبی عبد الله نژاد، مشهد: ترانه، ۱۳۷۶.

۲۴- فیشر، رابرت. ای، **نگارگری و معماری بودایی**، ترجمه: ع. پاشایی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.

۲۵- هال، جیمز، **فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب**، چ ۲، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳.

- www. Fliker.com.
- www. harappa.com.
- www. Pakistanartreview.net

References

1-"The Holy Quran."

2- Bahar, Mehrdad. **Adyane Asiaee**. Tehran: Cheshmeh publication, 1996.

3- Basiri, Mohammad Sadeq and Sarfi, Mohammad Reza. "**Negahi be Mohtavaye Ostoorehaye Engarei Derakht Dar Tamaddone Jiroft."** Iranian Studies Journal,Vol 4.No.8,pp. 31-51,2005.

4-Bhagavad, Guita. **Naqmeh Izadi ya Falsafeh Akhlaqi Hend**. Trans. Abbas Mehrin.3rd ed. Tehran: Ataee Publication, 1968.

5- Bovekhaurt Titus .**Honare Moghaddas**. Trans. Jalal Sattari. Tehran: Soroush publication, 2002.

6- Chevalier, Jean- Gheerbrant, Alain. **Farhange Namadha**. Trans, Soodabeh Fazaeli. Vol. 3. Tehran: Jeyhoon Publication, 2003.

7- ----------. **Farhange Namadha**. Trans, Soodabeh Fazaeli, Vol.1. Tehran: Jeyhoon Publication, 2005.

8-Cook, Roger. **Derakhte Zendegi**. Trans, Soosan Salimzadeh and Helina Maryam Ghaemi. Tehran: Jeyhoon publication, 2008

9- Coomaraswamy, Ananda. **Moghadamei bar Honare Hend**. Trans. Amir Hossein Zekrgoo. Tehran: Rouzaneh publication, 2003.

10------, Ananda. **Mabani Sonati Honar va Zendegi**. Trans, Amir Hossein. Zekrgoo. Tehran: Academy of Art, 2011.

11- Dadvar, Abolghasem and Mansouri, Elham.**Daramadi bar Ostooreha va Namadhaye Hend dar Ahde Bastan**. Tehran: Azzahra Publication, 2006.

12- Dobokor, Monique. **Ramzhaye Zede Rooh**. Trans, Jalal Sattari, Tehran: Nashre Markaz Publication, 1994

13- Eliade, Mircea. **Resaleh dar Tarikhe Adyan**. Trans. Jalal Sattari. 3rd edition. Tehran: Soroush Publication, 2006

14-Faranbagh, Dadgi. **BUNDAHIŠN**. Mehrdad Bahar, Tehran: Toos Publication, 1990.

15-Fisher, Robert .E. **Negargari va Memarie Boudaee**. Trans, A .Pashaee, Tehran: Academy of Arts Publication, 2004.

16-Grimal, Pierre. **Ostoorehaye Khavare Mianeh**. Trans, Mojtaba Abdollah Nejad, Mashhad: Taraneh Publication, 1997.

17-Hall, James. **Farhange Negarei Namadha dar Honare Shargh va Gharb.** Trans, Roqayyeh Behzadi, 2th pub.Tehran: Farhange Moaser Publication, 2004.

18-Ions, Veronica . **Shenakhte Asateere Hend**. Trans, Bajlan Farrokhi. 2th pub. Tehran: Asateer Publication, 2002.

19-Jalali Naeeni, Mohammad Reza. **Hend dar yek negah**. Tehran: Shirazeh Publication, 1996.

20- Pashee, Askari. **Bouda**. 9 th pub. Tehran: Negahe Moaser Publication, 2007.

21- Rig Veda,3rd edition,translated by Mohammad Reza Jalali Naeeni,Tehran:Noghreh Publication,1993

22-Shayegan, Dariush. **Adyan va Maktabhaye Falsafi Hend**. Vol. 1.6th ed . Tehran: Amir Kabir Publication, 2007.

23-Towrat(Mosaic Law)Research and translated by Mashaallah Rahmanpour davoud va Mosa Zargari,Tehran:Cultural association Otser Hatora,1985.

24-**Upanishads**. Trans. Mohammad, DaraShokouh and Dr.Tara,chand and,Mohammad Reza, Jalali Naeeni Tehran: Tahouri Publication, 1977.

25-Zomorrodi, Homeira. **"Tajaliate Qodsie Derakht."** Journal of the Faculty of Letters and Humanities, Tehran University, Vol 4,5th pub, pp. 197-209, 2002.